

عوامل تکوین فرهنگ جدید پارسیان هند

عده زیادی از پارسیان به سرزمین های دورتری چون کانادا، آمریکا و استرالیا مهاجرت کردند. جمعیت کنونی پارسیان از ۸۰ هزار تا ۱۲۰ هزار نفر تخمین زده می شود.

مطلب زیر، نگرشی اجمالی بر عوامل تکوین فرهنگ جدید پارسیان هند دارد.

(۱) دین زردشتی

تأثیر دین زردشتی بر تکوین رفتار و اندیشه پارسیان هند، انکارپذیر نیست. این تأثیر عموماً از طریق مزدیسنا و متون دینی زند و اوستا بوده است. متون دینی، رفتار عموم پارسیان بخصوص متدینان و گروه مذهبی آنان را بدون شک تحت تأثیر قرار داده است. نسل جدید پارسیان که با متون دینی سروکار مستقیم ندارند، باز از طریق مشارکت در

یادکرد

پارسیان هند، نژاد اصیل ایرانی دارند که اصل و نسبشان به ایالات خراسان می رسد که در زمان کهن به پارت معروف بود. هم چنین پارسی نامی است برای جامعه زرتشتیان ساکن در هند. این نام از واژه فارسی «پارسی» گرفته شده و به همه کسانی اطلاق می شد که از ایران به هند رهسپار می شدند، «کلمه پارسی دلالت بر نژاد دارد، اما امروزه برای گروهی به کار می رود که پیرو دین زرتشت اند و دودمانشان در هند مستقر است.

پارسیان سده های ۱۸، ۱۹ و ۲۰، به نسبت جمعیت خود تأثیر اقتصادی و به دنبال آن تأثیر فرهنگی بسزایی بر جامعه هند گذاشتند. پس از جنگ جهانی دوم، همزمان با استقلال هند،

رسم هندوهای گجرات را فراگرفتند و به تدریج لباس و عادات خود را رها کردند. با گجراتی‌ها تطبیق نمودند زبان مادری آنان گجراتی شد، حتی متون دینی خود را به زبان گجراتی ترجمه کردند و این زبان را در مراسم نیایش نیز به کار گرفتند. البته اذکار و اوراد اصلی که در نیایش خوانده می‌شد به زبان اصلی اوستائی بود.

پارسیان برخی نهادهای اجتماعی را نیز از هندوها اقتباس کردند که مهم‌ترین آن نهاد پانچایات (Panchayat) بود. در جامعه سنتی هندو هر طبقه اجتماعی «مجلس شیوخ و بزرگان» داشت که در ده یا محله خاصی اجرای مقررات طبقه اجتماعی و قوم را به عهده داشت. این شورای محلی را «پانچایات» می‌نامیدند. پارسیان این نهاد طبقاتی و قومی هندوها را اقتباس کردند و مجلس اعلای پارسیان را که بر «اکابر»، بزرگان، ریش سپیدان و علما مشتمل بود، «پانچایات» نامیدند. قرن‌ها «پانچایات» محور تشکیلات و رهبری فرقه پارسیان بود و اجرای احکام و اوامر «پانچایات» برای اعضای فرقه لازم بود. پارسیان خود را با جریان اصلی زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هند چنان هماهنگ ساختند که گاه تفکیک یک پارسی از هندوکار دشواری است در اسامی همگی آنان یک کلمه از زبان ایرانی مانند جمشید، کاووس، خسرو، فرخ و... به چشم می‌خورد جز این کل اسم آنان هندی است و در بسیاری از اسامی پارسیان هیچ کلمه‌ای نیست که هویت غیرهندوئی آنان را مشخص کند. از

مراسم و مناسک دینی و خواندن اذکار و ادعیه که بیشتر از اوستا و زند است، با تعالیم و نظام ارزشی آیین زردشت آشنا می‌شوند. از این روی هیچ تردیدی نیست که نخستین عامل که در تکوین اندیشه و رفتار پارسی‌ها تأثیر نهاده است، تعالیم زردشت و تأثیر متون دینی است. گذشته از آن اجتماع پارسیان، کوچک و به هم پیوسته است و از این روی نسل‌های جدید، با هنجار و نظام ارزشی فرقه خود مرتبطند. شبکه صندوق‌های اعانه دینی که رجال پارسی از قرن هجدهم به تأسیس آن توجه خاصی داشته‌اند، موجب می‌شود که هر فرد پارسی با این گونه نهادهای دینی در ارتباط باشد، رمز این مطلب که اکنون هیچ پارسی فقیری را نمی‌توان پیدا کرد، وجود این گونه شبکه‌های صندوق اعانه است.

(برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: J.R. RANDERIA, THE PARSI MIND)

۲) فرهنگ هندی

پارسی‌ها بیش از هزار سال قبل هند را به صورت مرزوبوم خود انتخاب کرده و در این سرزمین زندگی کرده‌اند. برخلاف مسلمانان، پارسیان هیچ‌گاه در هند، طبقه حاکم نبودند که فرهنگ هند را با دیده تحقیر بنگرند و یا با آن عناد داشته باشند. مسلمانان هند همواره برداشتن هویت مستقل خود اصرار داشته‌اند، اما چنان اصراری در میان پارسیان دیده نمی‌شود بلکه به طور کلی سیاست آنان بر تطبیق با فرهنگ هیئت حاکمه و توده مردم بوده است. پارسیان پس از ورود در هند راه و

در متن جامعه هند جا انداختند. (راندریا، ص ص ۵۱-۵۰)

در هند معاصر پارسیان را نمونه کامل غریزده و غربگرا می‌دانند. پارسیان تنها قومی در هند بودند که برای همکاری با انگلیس هیچ مانع عقیدتی، دینی و فرهنگی را احساس نمی‌کردند. در حالی که مسلمانان، انگلیس را صلیبی و دشمن تاریخی خود و عنصر خارجی تجاوزگر می‌دانستند. پارسیان، براساس تعالیم دینی خود به هر قدرت و هیت حاکمه وفادار بوده و آن را سایه‌ای از اهورا مزدا دانسته‌اند. برای آنان مسئله خودی و بیگانه مطرح نبود، بلکه به احتمال قوی برخی از رهبران فکری و راهبردهر دازان آنان چنان گمان می‌کردند که منافع یک اقلیت کوچک مهاجر زیر سایه حکومت خارجی محفوظ‌تر است و گرنه ممکن است اکثریت موجودیت آنان را تهدید کند. از نظر تاریخی نیز پارسیان هیچگونه تنفر و انزجاری از انگلیس نداشتند. پارسیان از اول به طرف فرهنگ غربی کشیده شدند و فرزندان خود را در مدرسه‌های مسیونرها ثبت نام کردند. در نتیجه شرکت هند شرقی، به صراحت دستور داده بود برای تجارت با هند از پارسی‌ها به عنوان واسطه و دلال استفاده شود، زیرا آنان کاردان و مسلط به زبان اروپایی هستند. (همان منبع، ص ص ۵۲-۵۱) پارسیان به صورت نمونه برگزیده جامعه هند در غرب کشور (بمبئی) درآمدند و به نوبه خود این جایگاه ممتازشان موجب شد که آنان بیش از پیش راه و رسم انگلیسی‌ها، زبان آداب، لباس و اطوار آنان را پیش گیرند و

نظر فرهنگی آنان موسیقی، شعر و هنرهای ویژه هند را پی گرفتند. هم‌اکنون در سینمای هند، در صداوسیما و نهادهای مختلف بسیاری از پارسیان هستند که تفکیک آنان از جامعه کلی و از اکثریت هندو امکان‌پذیر نیست.

۳) تأثیر غرب و فرهنگ غربی بر پارسیان معاصر

در انقلاب صنعتی جدید که به دنبال ورود انگلیسی‌ها در هند شروع شد، پارسیان در رأس جنبش بودند و در نوسازی صنایع هند کسی مانند پارسیان سهمی نداشته است. چنان که راندریا خاطرنشان کرده است، درباره غربگرایی پارسیان سخن زیاد گفته و پارسیان را پیشقراول و پرچمدار اصلی غربگرایی در هند دانسته‌اند. اما به هندوگری پارسی‌ها کم‌تر توجه شده است. کم‌تر قوم بیگانه‌ای می‌تواند چون پارسیان، شیوه و راه و رسم بوم و دیار خود را به سرعت تغییر دهد. از جمله سهمی که پارسیان در زندگی فرهنگی-اجتماعی هند داشتند، آغاز روزنامه‌نگاری گجراتی است. نخستین روزنامه گجرات زبان را پارسیان در سال ۱۸۲۰ منتشر کردند، هندوها روزنامه «ورتمان» را بعداً منتشر کرده‌اند. در بمبئی نخستین روزنامه را به نام بومی ساماچار (Bombay Samachar) پارسیان منتشر کردند در سال ۱۸۷۵ پارسیان روزنامه «گجرات میترا» را آغاز کردند. همانند یهود در اروپا، پارسیان در هند زمام امور اقتصادی و مطبوعات را با هم در دست گرفتند و خود را

به صورت پیشقراولان غربگرایی فرهنگی در هند درآیند.

در میان طبقه ثروتمند شهر بمبئی رویکرد به غرب در زمینه آموزش با دل‌بستگی به راه و رسم و مظاهر فرهنگ غربی همراه بود، البته توده‌های پارسی که در گجرات به کشاورزی مشغول بودند، با آن بیگانه بودند. در شهرها بخصوص در بمبئی طرز زندگی پارسیان دستخوش تحول کلی شد. نسل جدید تحصیل کرده و پرورش یافته فرهنگ باختر که تازه به ثروت هنگفت دست یافته و با کمک استعمارگران انگلیسی به صورت نخبگان جامعه درآمده بودند، ظاهراً در مقابل تمدن غربی به طور کلی تسلیم شدند و تمام ظواهر و تجملات مادی تمدن غربی را اقتباس کردند.

در قرن نوزدهم، زنان پارسی به تساوی و آزادی رسیدند. این امر پیشرفت روند غربگرایی را در میان پارسیان آسان‌تر ساخت. دختران و زنان پارسی نیز لباس پوشیدن و راه و رسم غربیان را پیش گرفتند. در میان پارسیان شهرنشین هیچ اثری از تمدن و فرهنگ شرقی دیده نمی‌شد. (همان، ص ص ۵۲-۵۳)

غربزدگی طبقه شهری موجب شد میان پارسیان روستانشین گجرات که به امر کشاورزی مشغول بودند و طبقه شهری مرفه

فاصله ایجاد شود. لباس و طرز زندگی دستورها و روحانیان پارسی نیز با طبقه تحصیلکرده جدید فاصله گرفت. این امر نگرانی‌هایی را در جامعه پارسی پدید آورد. (همان‌جا) در قرن بیستم این مسئله به اندازه‌ای شد که روحانیان و «اکابر» (که عبارت از ریش سپیدان و رهبران بودند) تصمیم گرفتند جوانان پارسی را باره و رسم شرقی خود آشنا و از دل‌باختگی به فرهنگ غربی جلوگیری کنند. هنوز هم در بمبئی و شهرهای گجرات پارسیان بیش از دیگر هندی‌ها به عادات غربی‌ها مبتلا هستند.

مسئله حل شدن پارسی‌ها در فرهنگ غربی در میان مهاجران پارسی به غرب به صورت مسئله حادث‌تری درآمده است. در نیم قرن اخیر هزاران تن از پارسیان به آمریکا، انگلستان و دیگر کشورهای غربی مهاجرت کردند. دستورها و رهبران دینی پارسی نگرانند که در آن کشورها پارسیان به کلی هویت شرقی خویش را از دست بدهند و در فرهنگ غرب حل شوند. برای جلوگیری از این امر در هر یکی از اجتماع‌های پارسیان در مغرب زمین متدینان و روحانیان، انجمن «اکابر» را تشکیل دادند و این اکابر تلاش می‌کنند مانع انقراض هویت فرهنگی - دینی پارسیان شوند.

علی فولادی*